فصل‌نامه علمی ـ پژوهشی پژوهش‌نامهٔ تاریخ اسلام
سـال هفتم، شماره بیست و هفتم، پاییز ۱۳۹٦
صفحات ۱۰۹ – ۱۲۷

معیارسنجی باورهای کلامی در ارزیابی روایات تاریخی در الصحیح من سیرة النبی الأعظم صلی الله علیه و آله و سلم

حمید جلیلیان[۱]
سید محمد علی ایازی[۲]

چکیده

یکی از راه‌های مطالعه سیره معصـومان، روش تحلیلـی اسـت. در ایـن روش از اصـول علمی و معیارهای نقد تاریخی استفاده می‌شود. مسئله اصـلی پـژوهش ایـن اسـت آیـا باورهای کلامی می‌تواند داده‌های تاریخی را اعتبارسنجی کرده و صحت و سقم آنهـا را مشخص کند؟ برای پاسخ به این پرسش یکی از عمده‌ترین کارهای انجام شده در ایـن حوزه، یعنی کتاب *الصحیح من سیرة النبی الأعظم* صلی الله علیه و آله و سلم تألیف سید جعفر مرتضـی عـاملی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. مولف این کتاب با روش تحلیلـی بـه بررسـی سـیره پیـامبر پرداخته و از باورهای کلامی فراوان بهره برده‌است. در این مقالـه بـا بررسـی محتـوایی کتاب معیارهای کلامی جعفرمرتضی در تحلیل روایات سیره پیامبر مورد نقـد و بررسـی قرارگرفته و نشان داده شد که مولف در کاربسـت پـاره‌ای از باورهـای کلامـی، عقایـد شخصی خود را وارد کرده‌است.

کلیدواژه‌ها: تاریخ تحلیلی، جعفر مرتضی عاملی، سیره نگاری، *الصحیح من سـیرة النبـی الأعظم* صلی الله علیه و آله و سلم، کلام و تاریخ، نقد تاریخی.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب (نویسنده مسئول). Jalilian1358@yahoo.com
۲. استادیار گروه قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران. ayazi1333@gmail.com
تاریخ دریافت: ۹٦/۰٦/۲۹ تاریخ پذیرش: ۹٦/۰۹/۱٤

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.6.0]

مقدمه

از مهم‌ترین موضوعات قابل بررسی در مطالعات اسلامی، بررسی سندی و محتوایی روایات سیره پیامبرﷺ است. آثاری که تاکنون نوشته شده، یا مانند *سیره ابن هشام* به روش روایی و گزارش محض است، یا مانند *تاریخ یعقوبی* به روش ترکیبی (نقل و جمع روایات) است. در دوره معاصر روش تحلیلی در گزارش‌های تاریخی یکی از مهم‌ترین روش‌ها در مطالعات سیره است. یکی از عمده‌ترین کارهای انجام گرفته در این حوزه، کتاب *الصحیح من سیرة النبی الأعظم*ﷺ تألیف سید جعفر مرتضی عاملی است. این محقق که آثار گوناگونی در حوزه تاریخ و نقد حوادث تاریخی عصر پیامبرﷺ دارد، تنها به گزارش و یا وصف آن بسنده نکرده و در این کتاب سی و پنج جلدی از معیارهای گوناگون علمی برای تشخیص روایات صحیح از ضعیف استفاده کرده‌است. اما پرسش مهمی که در ارزیابی و تشخیص روایات صحیح از ضعیف وجود دارد، این است که این معیارها کدامند و بر پایه چه اصولی تنظیم می‌شوند؟ مهم‌ترین آنها در ارزیابی روایات تاریخی چیست تا در تشخیص روایت صحیح دچار اشتباه نشویم؟

معیارهای گوناگونی برای ارزیابی روایات تاریخی قابل طرح است، که یکی از این معیارها، عدم مخالفت روایات تاریخی با اصول مسلّم کلام اسلامی است. اما آیا این اصل می تواند شامل هر عقیده و موضع کلامی شود؟ تا چه اندازه می‌توان علم کلام را در فهم حوادث تاریخی دخالت داد؟ این مقاله در صدد بررسی آن است که از نظر جعفر مرتضی عاملی، باورهای کلامی تا چه میزان می‌تواند صحت و سقم داده‌های تاریخی را تعیین کند و اصول و شاخصه‌های آن چگونه است؟ البته سیره نبوی می‌تواند راه‌گشای خوبی برای فهم درست‌تر زمینه‌های باورهای کلامی باشد، چنانکه باورهای کلامی مسلّم نیز می‌تواند به تشخیص و شناخت اخبار صحیح تاریخی کمک کند. اما نباید از تأکید عقاید کلامی مسلم و مورد اتفاق میان همه مذاهب غافل بود، زیرا این اصل مسلّم است که نمی‌توان خبری را که متناقض با باورهای محکم قرآنی و سنت محکم است، پذیرفت. در استفاده از این معیار باید به این نکته اساسی توجه کرد که باور کلامی مورد اتفاق باشد، در غیر این صورت، تشخیص خبر صحیح، امری اتفاقی

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.6.0]

نمی‌شود و حداکثر دلالت آن نسبی خواهد بود.

به هر حال چگونگی استفاده جعفر مرتضی عاملی از باورهـای گونـاگون کلامـی در ارزیابی روایات تاریخی یکی از نقاط برجسته و روش‌های عمده کتاب *الصـحیح* اسـت که برای پاسخ به این سؤالات، باید نمونه‌های این حـوادث را از موضـع ایـن نویسـنده مورد توجه قرار داد. تا این نمونه‌ها شناسایی نشود، تنوع روش استفاده از آرای کلامـی روشن نخواهد شد. به همین دلیل در این پژوهش یکی از ابعاد بررسی کتاب، شناسایی روش خاص سیره پژوهی عاملی با عنوان باورهای مسلّم کلامی به عنوان محک و معیار در ارزیابی روایات تاریخی خواهد بود و اشکالاتی که بر روش وی در ارزیابی روایات تاریخی وارد خواهد آمد. البته یادآوری این نکته لازم است کـه مـورخ فقـط بـا اسـناد تاریخی محض سر و کار دارد و چیزی به عنوان مبانی کلامی برای او موضوعیت ندارد. از این رو باید اذعان نمود که کار جعفر مرتضی عاملی در کتاب *الصحیح* تاریخ محـض نبوده بلکه با دخالت دادن عناصر غیرتاریخی همچون مبـانی کلامـی از ارزش تـاریخی این اثر کاسته و بر بعد معرفت‌بخشی آن در حوزه اعتقادی افزوده است.

درباره پیشینه این تحقیق می‌توان به مقاله‌ای اشاره نمود که با عنوان «تـأثیر باورهـای کلامی بر گزاره‌های تاریخی در کتاب *الصحیح من سیره النبی الأعظم*ﷺ» توسط رمضان محمدی در کتاب رویکرد *الصحیح* به سیره رسول خداﷺ مجموعه مقالات نکوداشت آیت‌الله علامه سید جعفر مرتضی عاملی، به رشته تحریر درآمده و در آن به موضـوعات عصمت پیامبرﷺ، علـیؑ و فاطمـهؑ، آیـین پیـامبرﷺ و علـیؑ قبـل از بعثـت، تنصیصی بودن جانشینی علیؑ، بداء، تکلیف ما لا یطاق، تقیه، تبرّک و زیـارت قبـور، پرداخته شده‌است. ولی در مقاله حاضر، باورهای کلامی به باورهای اسلامی، باورهـای عام شیعه و باورهای خاصّ شیعه دسته بندی شده و موضوع کلامـی عصـمت و شـأن پیامبرﷺ و ائمهؑ و نمونه‌هـای تـاریخی مربـوط بـه آن بـا تفصـیل بیشـتری طـرح شده‌است. همچنین در این تحقیق دوره سی و پنج جلدی *الصـحیح* بررسـی شـده لـذا گستره تحقیق و نوآوری‌های این مقاله بیشتر است.

۱.انواع باورهای کلامی

باورهای کلامی به دسته‌های گوناگونی تقسیم می‌شود؛ برخـی از ایـن باورهـا جنبـه

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.6.0]

کلی (شعیه و سنی) و برخی جنبه مذهبی دارد. در این بررسی هم باورهای مشترک میان فریقین و هم باورهای کلامی شیعه مورد بررسی قرار گرفته است. جعفر مرتضی عاملی باورهای کلامی را به دو بخش کلی تقسیم می‌کند:

الف) باورهای قطعی که از حقایق ثابت حکایت دارد، مانند: وجود خداوند سبحان، صفات جلال و جمال او، ارسال پیامبران و کتاب‌های آسمانی، شرایع و احکام و معجزه‌ها، عصمت انبیا و اوصیای الهی و نظایر اینها. وی بر این باور است اگر نصوص تاریخی با این نوع باورهای کلامی معارض باشد، در مردود دانستن آن منتظر بحث رجالی نمی‌شویم و بی درنگ آن را مردود می‌شماریم، اگر چه از موثق‌ترین راه روایت شده باشد. به عبارتی وی مسئله «تقدّم عقاید مسلّم و قطعی بر نصوص تاریخی» را روش همه خردمندان می‌شمارد (عاملی، «مصاحبه با آیینه پژوهش»، ٦٤).

ب) باورهای کلامی [ظنی] که ممکن است از مطالعه و دقت در زندگی مومنان صدر اسلام یا مردان بزرگ تاریخ به دست آمده باشد، در این مورد، اعتقاد عاملی بر این است که نمی‌توان این گونه باورهای کلامی را در مقام تعارض با نصوص تاریخی بر آنها مقدّم کرد، زیرا عمل یک فرد، هنگامی می‌تواند منشأ باوری درست باشد که ثابت شود فقط به انگیزه ایمان و اعتقاد درست شکل گرفته‌است. در حالی که اولاً: ثبوت چنین امری جز برای انبیا و اوصیا بسیار مشکل است، مگر اینکه با روایات صحیح یا قرائن دیگری ثابت شود که این امر نادر است، و ثانیاً: ایمان و اعتقاد، تنها محرّک انسان در اعمال و رفتار نیست و ممکن است انگیزه‌های بسیاری او را به حرکت درآورده و به اعمال او نقش دهند (عاملی، «مصاحبه با آیینه پژوهش»، ٦٤).

بررسی دیدگاه‌های عاملی در *الصحیح* نشانگر آن است که وی نقش فوق‌العاده‌ای به باورهای کلامی در پژوهش در حوزه سیره نبوی قایل است، انگیزه وی از توجه فوق‌العاده به مبانی کلامی، این است که اعتقاد دارد چهره بسیاری از حقایق تاریخی، در گذشت زمان و به انگیزه‌های سیاسی- فرقه‌ای در غباری از تحریف فرو رفته‌است (همو، ٦٥). اما سؤال این است که آیا برخی باورها در سیر نزاع‌های مذهبی ساخته نشده‌است؟

۲. بی اعتباری روایات مخالف با باورهای کلامی

یکی از مهم‌ترین مسایلی که در علم تاریخ مطرح است، تعارض گزارش‌های تاریخی

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.6.0]

و کلامی است و بین محقّقان، این پرسش مطرح است که در صورت وقوع تعارض بین آن دو، کدام یک باید مقدّم دانسته شود؟

عاملی، بر این باور است که سیره نبوی صرفاً تاریخ نیست، تا در بررسی و پـذیرش یا ردّ آن فقط معیارهای تاریخی و روش‌های بررسـی اسـناد و مـدارک تـاریخی مـورد ملاحظه پژوهشگر باشد، بلکه یک منبع معرفت‌شناختی است که همـه علـوم اسـلامی، آموزه‌ها و ارزش‌های دینی از آن قابل استخراج است (همو، «مصاحبه با فروغ وحدت»، ۵). وی هنگام تعارض بین کلام و گزاره‌های تاریخی، باورهای قطعی را کـه از حقـایق ثابت حکایت دارند بر نقل ترجیح داده و دلایل مختلف نظیر تحریف حقایق تاریخی را برای اثبات مدّعای خویش اقامه کرده‌است. وی در پاسخ به این سؤال که «آیا باورهـای کلامی می‌تواند به عنوان معیار تشـخیص صـحیح از ناصـحیح در اخبـار و نصـوص و قضایای تاریخی شمرده شود؟» می‌نویسد: «قضایای مسـلّم کلامـی و آن چـه باورهـای یقینی و مسلّم ما را تشکیل می‌دهد، به طور حتم نقش اساسـی در شـناخت صـحیح از ناصحیح دارد، چرا که ما نمی‌توانیم خبر معـارض بـا ایـن باورهـا را بپـذیریم» (همـو، «مصاحبه با آیینه پژوهش»، ٦٤)

۲،۱. بی اعتباری روایات مخالف با باورهای کلامی اسلامی

برخی از باورهای کلامی میان علمای شیعه و سنّی مشترک است. بـه عنـوان نمونـه عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله در امور تبلیغ مورد پذیرش علمای فریقین اسـت. عـاملی گـاهی بـا استناد به این باور عمومی، روایات تاریخی مخالف را مردود می‌شمرد. به عنوان نمونـه وی در نقد و ردّ روایات مربوط به چگونگی تشریع اذان می‌نویسد: «ما بر ایـن بـاوریم که این روایات صحیح نیستند» و در استدلال دوم خود می‌نویسد: «ادعـای شـنیدن اذان توسط عمر از جبرییل یا رؤیت اذان توسط ابن زید در حالت بیداری پذیرفتـه نیسـت، زیرا معنای آن این است که آنها از انبیاء باشند، و آنان اذان را از جبرییل دریافت کرده و فرمان تشریعی و توقیفی را از او شنیده‌اند [در صـورتی کـه] ایـن کـار از ویژگـی‌هـای پیامبران علیهم السلام است» (همو، *الصحیح*، ۵/ ۱۵۰ – ۱۵۳) وی همچنین به سخن امام حسن علیه السلام استناد می‌کند زمانی که نزد حضـرت از رؤیـای عبـدالله بـن زیـد در بـاره تشـریع اذان صحبت می‌کردند فرمود: «شأن اذان بزرگ‌تر از آن است [که توسط عبدالله بن زید دیده

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.6.0]

شود] اذان توسط جبرییل به رسول خدا ﷺ آموزش داده شده‌است» (همو، ۵/ ۱۴۹، ۱۵۵). البته به نظر می‌رسد منظور عاملی از ردّ ادّعای شنیدن اذان توسط عمر از جبرئیل یا رؤیت اذان توسط ابن زید در حالت بیداری این نیست که چنین ادعایی صورت نگرفته‌است بلکه منظور وی این است که اگر هم چنین ادعایی صورت گرفته باشد امکان وقوع چنین امری ممکن نیست زیرا اذان یک امر تشریعی و توقیفی است و دریافت امور تشریعی در شأن پیامبران است.

۲،۲. بی اعتباری روایات مخالف با باورهای کلامی عام شیعه

منظور از باورهای کلامی عام شیعه، باورهایی است که میان همه علمای شیعه مورد اتفاق است. به عنوان نمونه می‌توان مطلق عصمت پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام (قبل از نبوت و امامت) را از باورهای کلامی عام شیعه برشمرد. عاملی به باورهای کلامی شیعی چنان پای‌بند است که گاهی اوقات به نظر می‌رسد برای اثبات یا رد یک مسئله در موضع جانب‌داری ایستاده است. چنین مواردی را می‌توان در مباحث مرتبط با چهره‌های شاخص اهل سنت یافت که به گونه‌ای با مواضع عقیدتی وی سازگاری ندارند، اگر چه در عمده مباحث دلایل و شواهدی بر مبنای معیارهای خویش ارائه می‌دهد، اما در مواردی به نظر می‌رسد که بر پایه همین معیارها، از طرف مقابل به سختی بازخواست می‌کند و رفتاری سخت‌گیرانه با او در پیش می‌گیرد (همو، ۳/ ۲٦٤–۲٦٦). همچنین وی روایات تاریخی مخالف با عصمت اهل بیت پیامبر ﷺ را توجیه می‌کند. به عنوان نمونه در روایات مربوط به پیمان‌نامه حدیبیه آمده‌است که علی علیه‌السلام علی‌رغم دستور پیامبر ﷺ، از پاک کردن عبارت «رسول الله» خودداری می‌کرد (حلبی، ۳/ ۲۸–۲۹، طبرسی، ۹/ ۱۸۰)، عاملی در توجیه آن می‌نویسد: «اگر صدور این مخالفت را از علی علیه‌السلام بپذیریم، باز هم دلالتی بر عدم عصمت وی نمی‌کند، زیرا وی احتمال داده که فرمان پیامبر به محو نامش، فرمان حقیقی نبوده، بلکه همگامی با سهیل بوده نه اینکه پیامبر ﷺ آن را ترجیح می‌دهد» (همو، ۱٦/ ۹۵–۹۱).

۲،۳. بی اعتباری روایات تاریخی مخالف با باورهای کلامی خاص شیعه

عاملی روایات تاریخی را بیشتر بر اساس باورهای کلامی ارزیابی می‌کند و در این میان گاهی ارزیابی وی بر اساس باورهای کلامی خاص شیعه است. منظور از باورهای

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.6.0]

کلامی خاص شیعه باورهایی است که میان همه علمای شیعه پذیرفته نشده، بلکه تنها برخی از آنان به این مسئله قائل‌اند. به عنوان نمونه، «سهو النبی» یکی از مسائلی است که میان علمای شیعه مورد اختلاف است. برخی مانند شیخ صدوق آن را پذیرفته ولی برخی مانند شیخ مفید آن را نمی‌پذیرد (مفید، ۱۸-۱۹). عاملی پیامبرﷺ را معصوم از سهو و فراموشی دانسته و روایت مخالف با آن را مردود می‌شمرد. نویسنده *الصحیح* بر پایه همین عقیده، روایت مربوط به تغییر مواضع سپاه اسلام در جنگ بدر و خشک کردن چاه‌های منطقه به اشاره و رأی حَبّاب بن منذر (ابن هشام، ۱/ ٦٢٠، دیار بکری، ۱/ ٣٧٦) را نمی‌پذیرد و در استدلال نخست خویش می‌نویسد: «عصمت پیامبرﷺ از خطا و فراموشی حتی در مسائل دنیوی به ضرورت عقل و نقل ثابت شده است، و رأی و عمل آن حضرت در همه امور درست است و خطا و اشتباه در آن راه ندارد» (عاملی، الصحیح، ۵/ ۲۹۱-۲۹۲). اصولاً وی بسیاری از اخبار و گزارش‌های تاریخی را حتی اگر با سند صحیح در منابع شیعه آمده باشد، با این توجیه که موجب طعن در عصمت پیامبرﷺ می‌شود، (همو، ۸/ ٣٥٦) مردود می‌شمرد. (برای مطالعه و نقد نمونه‌های دیگر نک. همو، ۱۵/ ۹۳-۹۲ و ۱۷/ ۱۳۳).

همچنین عاملی روایات تاریخی مخالف با «سیاست پیامبرﷺ» را مردود می‌داند. به عنوان نمونه در روایات تاریخی آمده‌است که پیامبرﷺ در سریّه ذات السلاسل به ابوبکر فرمان داد که املاک زراعی و خانه‌های دشمنان را ویران کند (قمی، ۲/ ٤٣٥) وی در نقد این روایت می‌نویسد: «این روایت با سیاست و سفارش‌های پیامبرﷺ به گروه‌های اعزامی‌اش منافات دارد» (عاملی، الصحیح، ۲۰/ ٢٤٣).

اما مسئله همیشه به این سادگی نیست که عاملی می‌گوید. تصمیم‌های پیامبر گاه با نظر جمعی از اصحاب انجام می‌گرفته چنانکه در داستان بیرون رفتن پیامبرﷺ از شهر مدینه در جنگ احد اتفاق افتاد، در تحلیل حوادث تاریخی ساده‌ترین روش رد کردن آن است، در صورتی که اگر پیش‌ذهنیت‌ها نباشد، می‌توان تمام احتمالات و وجوه حادثه را در نظر گرفت.

۳. روش‌های ارزیابی روایات مخالف با باورهای کلامی شیعه

باورهای مسلّم کلامی در *الصحیح*، معیار قطعی تلقی شده و در موارد فراوان

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.6.0]

خصوصاً در مواضع رسمی رسول خدا ﷺ در حوزه ابلاغ آیات الهی و پیشبرد امر دعوت مورد استناد نویسنده و عامل اصلی در پذیرش صحّت یا ردّ گزارش‌ها و اخبار تاریخی بوده است. برخی از باورهای مسلّم کلامی عبارتند از:

۳,۱. عدم مخالفت با عصمت پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام

عصمت در تعریف عاملی گونه‌ای ملکه نفسانی است که فرد معصوم را به اختیار خود از گناه، اشتباه عمدی و غیر عمدی [خطا و سهو] و فراموشی، خواه در امور شخصی خواه در مقام دریافت وحی یا ابلاغ رسالت باز می‌دارد (همو، ٦/ ١٢٢-١٢٤). وی رسول خدا ﷺ را در همه افعال حتی مسائل جزئی معصوم می‌داند و از این رو، بسیاری از روایات تاریخی را که به عقیده وی جسارت‌آمیز و خلاف شخصیت معصوم حضرت است، با این توجیه که ناشی از بی توجهی ناقلان به شخصیت قرآنی پیامبر ﷺ است، به شدت مورد اعتراض و انکار قرار می‌دهد، چنان که نفی عصمت حضرت در غیر تبلیغ را نیز نامعقول می‌داند (همو، ١/ ٥٥ و ٦/ ١٢٢). چنین تعریفی از عصمت در مقابل نظر اهل سنت است که پیامبران علیهم‌السلام را تنها در مقام ابلاغ وحی معصوم می‌دانند: «انّ الانبیاء فی زمان نبوتهم معصومون عن الکبائر مطلقاً و عن الصغائر عمداً» (ایجی، ٨/ ٢٦٥). وی همچنین همه پیامبران از آدم علیه‌السلام تا خاتم ﷺ را معصوم از گناه می‌داند (عاملی، الصحیح، ٢/ ٩٣ و ٦ / ١٣٣) و معتقد است که پیامبر ﷺ و امام علیه‌السلام اصلاً فکر گناه هم نکرده و به گناه علاقه پیدا نمی‌کنند (همو، ٦/ ١٣٠).

عاملی به مناسبت نقل روایتی که بخاری (٢/ ٦٥) از ابوهریره آورده و حاکی از سهو پیامبر ﷺ در نماز است، پس از بررسی روایات مختلف آنها را مضطرب و ناهماهنگ می‌داند و با استناد به عنصر عصمتِ فراگیر حضرت آن را مردود می‌شمارد. چنانکه سهو مصلحتی حضرت را نیز نمی‌پذیرد و توجیهات ارائه شده در این باره را ناکافی می‌شمارد (عاملی، الصحیح، ٦/ ١٠٩-١١٦).

۳,۲. عدم مخالفت با شأن معصوم علیه‌السلام

شئون پیامبر ﷺ از دیگر مواردی است که عاملی آن را مبنای نقد تاریخی قرار داده-است. شأنیت، نوعی شخصیت متناسب با پیامبری است. این معیار هر چند نانوشته است، اما امری عقلی است، چون خداوند متعال، رسول خدا ﷺ را برای همیشه الگویی

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.6.0]

نیکو برای بشر قرار داده و بر مؤمنان واجب کرده که به او اقتدا کنند، از این رو از نظر عاملی معیار نقد روایات تاریخی قرار گرفته‌است. در منابع حدیثی و تاریخی، گاه سیمایی آشفته از پیامبر اکرمﷺ ترسیم شده‌است، به این صورت که او مردی است ناتوان که همچون کودکان رفتار می‌کند و مانند جاهل سخن می‌گوید. خشنودی او سبک‌سری و بی‌تابی است و خشم او ناتوانی و آشفتگی است، همواره نیازمند کسی است که او را آموزش دهد و کارهایش را اداره کند و مشکلاتش را حل کند و همه مردم از او آگاه‌تر، قوی‌تر و عاقل‌تر هستند. در صورتی که قرآن کریم او را به محمد رسول خدا و اسوه دیگران و داشتن اخلاق بزرگ می‌ستاید (همو، ۱/ ۲۲-۲۱). عاملی پس از نقل برخی از روایاتی که با شأن یک فرد عادی نیز سازگاری ندارد، می‌نویسد: «این اخبار و روایات در کتاب‌هایی نقل شده‌است که ادعا می‌شود پس از قرآن، صحیح‌ترین کتاب‌هاست. هر انسانی که از ضوابط و معیارهای حقیقی و مبانی اساسی و لازم برای مطالعه و بررسی تاریخ بی‌خبر باشد، مطابق این توده عظیم از روایات ساختگی، سیمایی آشفته از پیامبرﷺ ترسیم خواهد کرد، به ویژه هنگامی که از صفات و ویژگی‌های لازم برای منصب پیامبری آگاهی نداشته باشد... از دیدگاه ما این کار بر اساس یک نقشه پلید از پیش طراحی شده صورت گرفته تا ضمن نابودی شخصیت رسول خداﷺ و صفات والای مکتبی آن حضرت، مبانی و اصول اساسی اسلام را به نابودی کشاند. این نقشه در زمان امویان و به دست اعوان و انصار این خانواده پلید طراحی شد» (همو، ۱/ ۲۷-۲۶).

سپس وی به نقل روایات دیگری برای اثبات نظر خویش می‌پردازد. بنا بر شواهد گوناگون این تحلیل که قُصّاص بنی امیه در ترسیم و موهن جلوه دادن شخصیت پیامبرﷺ نقشی اساسی داشته اند، تردیدی نیست. اما فرهنگ عربِ پس از جاهلیت و بدویتِ مردم را هم نباید نادیده گرفت و نباید از یاد برد که بسیاری از شرایط فرهنگی و شکل‌گیری شخصیت و مقومات آن، تدریجی بوده و بسیاری از چیزهایی که امروز بد محسوب می‌شود، بسا در عصر خودش غیر طبیعی و نامأنوس نبوده و یا در میان عالمان شیعه مورد اختلاف بوده‌است (مانند سهو النبی میان شیخ صدوق و شیخ مفید). از این رو، تعیین معیارهای زشت و زیبا، عقیده مسلّم و عقاید اختلافی، باید متناسب با

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.6.0]

عرف و تلقی مردم همان عصر ارزیابی شود. به عبارت دیگر برخـی از کارهـا از افـراد عادی زشت نیست و یا غیر معمول نمی‌باشد و این کارها در حوزه رفتار رهبران عادی هم طبیعی به نظر می‌رسد و از آنجا که شکل گیری شخصیت مقدس پیامبرﷺ در میان مسلمانان تدریجی بوده است و طبعاً در آن زمان کارهایی که پیامبر انجـام مـی‌داده، در نظر خود آنان بد، خلاف عرف، خلاف شأن و مقام نبوت و عصمت هم نبوده است. در حالی که بعدها با توجه به توسعه ایمان در میان مسلمانان این کارها نافی عصمت تلقی می‌شده است. نمونه این کار، حضور پیامبرﷺ در کاروان‌هـای خریـد و فـروش و بـه دوش کشیدن عایشه در برخی از روایات است که توسـط عـاملی نقـد شـده کـه ایـن برخلاف شأن و شخصیت پیامبر است در حالی که شـاید در آن زمـان عـادی بـه نظـر می‌رسیده‌است.

بررسی نمونه‌های روایات مخالف با شأن معصوم

عاملی روایاتی را که به نحوی با شأن معصومعليه‌السلام منافات داشته باشد مردود می‌شمارد و به نظر می‌رسد زمانی که در ضمن روایتی، فضـیلتی بـرای برخـی از صـحابه اثبـات می‌شود به گونه‌ای خاصّ و با حساسیت بیشتری به ارزیـابی آن مـی‌پـردازد. برخـی از مواردی که وی با استناد به شأن معصومعليه‌السلام روایات تاریخی را ردّ کرده‌است عبارتند از:

۱- ردّ روایت سهو النبی

در صحیح بخاری و مسلم در ابواب مربوط به سهو در نماز آمده است که پیامبرﷺ نماز ظهر یا عصر را دو رکعت خواند و وقتی که خرباق (ذوالشمالین بن عبد عمرو) بر وی اعتراض کرد و برخی از صحابه به درستی سخن خرباق گواهی دادنـد، پیـامبرﷺ خشمگین شد و در حالتی که عبایش را می‌کشید وارد اتاقش شد، سپس بیـرون آمـد و دو رکعت [دیگر] نماز خواند و سلام داد و دو سجده به جـای آورد (بخـاری، ۲/ ٦٥). عاملی به روش‌های مختلف به نقد و ارزیابی این گونه روایات می‌پردازد و در استدلال پنجم برای ردّ روایت می‌نویسد: «چرا پیامبرﷺ عصبانی شد؟ آیا از سخن ذوالشـمالین خشمگین شد؟ اگر به این خاطر عصبانی شد که صحابه او را با حقیقت مواجه نمودند. این [عصبانی شدن] با شأن حضرت تناسبی ندارد و اگر به این خاطر بوده که صحابه بر

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.6.0]

وی افتراء زده و بر تکذیب وی هم رأی شدند و چیزی را که تناسبی به وی ندارد به او نسبت دادند، پس چرا برگشت و نماز را با آنان تمام کرد و دو سجده سهو به جای آورد!؟»، (عاملی، الصحیح، ٦/ ١١٤ و ١١٠) و به این صورت روایت را با استناد به مخالفت با شأن پیامبرﷺ مردود می‌شمارد (برای مطالعه دیدگاه شیخ مفید و علامه حلّی و سبحانی درباره نقد روایت فوق نک. مفید، ٢٠-٢١؛ حلّی، ٣/ ٢٧٤-٢٧٥؛ سبحانی، ٣/ ٢٠٤-٢٠٨).

٢- ردّ روایت به دلیل منافات با شأن رسول خداﷺ

در روایات مربوط به فتح مکه آمده‌است که رسول خداﷺ در حالی که در میان ابوبکر و اُسید بن حضیر بود و با آنان صحبت می‌کرد وارد مکه شد (صالحی شامی، ٥/ ٢٢٠-٢٢١). عاملی درباره این روایت می‌نویسد: «اینکه پیامبرﷺ با آن دو صحبت می‌کرد اگر با این تقدیر باشد که یکی از آن دو از پیامبرﷺ سؤالی پرسیده و حضرت به پرسش او پاسخ می‌داد، پذیرفتنی است، ولی اگر مراد از آن بزرگداشت ابوبکر و اُسید باشد، هر چند به قیمت کوچک کردن شأن رسول خداﷺ، باید گفت که «فقد خاب من اعتدی و افتری علی مقام النبوة الاقدس: کسی که بر مقام اقدس پیامبری تعدی نمود، ناکام ماند» (عاملی، الصحیح، ٢٢/ ٥٣-٥٢). اینکه عاملی به یک حادثه تاریخی (صحبت ابوبکر با پیامبرﷺ هنگام ورود به مکه) حساسیت نشان داده و آن را به صورت‌های مختلف تفسیر می‌کند و برخی از وجوه آن را پذیرفتنی و برخی را مردود می‌شمارد، نشانگر روحیه ویژه وی در ردّ و عدم پذیرش هر گونه فضیلتی برای برخی از صحابه خصوصاً آنهایی است که در جبهه مقابل اهل بیتعلیهم‌السلام قرار گرفته‌اند (برای مطالعه و نقد دو نمونه دیگر نک. همو، ٢٦/ ١٠٥-١٠٣، ٨/ ٦٩-٦٨).

٣- ردّ روایت به دلیل بعید بودن از شأن رسول خداﷺ

عاملی روایاتی را که حتی از شأن پیامبرﷺ (به نظر خودش) بعید باشد نیز انکار می‌کند. به عنوان نمونه در روایات آمده‌است که رسول خداﷺ در راه حرکت به سوی خیبر از راهنما خواست که نام راه‌های منتهی به خیبر را به او بگوید چرا که حضرت فال نیکو را دوست می‌داشت پس راهنما نام راه‌ها را برشمرد و حضرت یکی از آنها را برگزید (صالحی شامی، ٥/ ١١٧-١١٨؛ واقدی، ٢/ ٦٤٠). عاملی در ردّ این روایت در

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.6.0]

استدلال نخست خویش می‌نویسد: «روشن است که پرسیدن از نام راه‌ها لزوماً به خاطر فال نیکو زدن به نام‌های آنها نبوده است، چرا که فال زدن از شأن و مقام پیامبرﷺ به دور است» (عاملی، الصحیح، ۱۷/ ۱۰۰). در این نمونه نیز عاملی دیدگاه خاص خود را مطرح کرده‌است چرا که فال نیکو زدن را از شأن و مقام پیامبرﷺ بعید دانسته است در صورتی که این امر با مقام عصمت و شأن پیامبرﷺ هیچ گونه منافات و مخالفتی ندارد.

نمونه دیگر اثبات وقوع ماجرای افک در سال هشتم هجری است که عاملی به روش‌های مختلف و با استفاده از وقایع گوناگون تاریخی به آن می‌پردازد. او در یکی از آن موارد می‌نویسد: «در روایت عایشه شواهدی وجود دارد که ماجرای افک در سال هشتم به وقوع پیوسته است». او در هفتمین شاهد تاریخی می‌نویسد: «مشورت کردن پیامبرﷺ با زید بن ثابت که در غزوه مریسیع، بیش از ۱۵ سال نداشت و جوان بالغی بود، کاملاً از شأن پیامبر امتﷺ بعید است و این ما را به این مطلب نزدیک می‌کند که افک در سال هشتم یا نهم اتفاق افتاده است تا مشورت پیامبرﷺ با زید صحیح و ممکن باشد زیرا زید در آن زمان تقریباً به سن ۱۸ سالگی می‌رسد و مشورت پیامبرﷺ با زید در سن ۱۸ سالگی به معقولیت و حکمت و احتیاط نزدیکتر و از خفّت و سبکی دورتر است» (همو، ۱۳/ ۳۳۲-۳۳۱). به نظر می‌رسد عاملی برای اینکه وقوع ماجرای افک را در سال هشتم هجری اثبات کند مشورت پیامبرﷺ با زید پانزده ساله را از شأن حضرت بعید می‌داند در صورتی که اگر آن روایت را به تنهایی و جدا از ماجرای افک بررسی می‌کرد آن مشورت را با شأن پیامبرﷺ بعید نمی‌شمرد.

٤- تردید در یک روایت به دلیل مخالفت با شأن پیامبرﷺ

بنا به روایت عایشه در جنگ احزاب در خندق رخنه‌ای بود که به خاطر عجله کردن، نتوانسته بودند آن جا را به خوبی به هم آورند و بیم آن می‌رفت که مبادا دشمن از آنجا عبور کند. از این رو پیامبرﷺ مرتب از آن جا سرکشی می‌کرد و خودش از آن پاسداری می‌داد. یک شب که سرما موجب آزار آن حضرت شد، پیش من [= عایشه] آمد. من او را گرم کردم، پس از اینکه گرم شد، دوباره برای نگهبانی از همان رخنه بیرون رفت. همچنان که پیامبرﷺ در کنار من بود و گرم می‌شد، فرمود: ای کاش مرد

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.6.0]

نیکوکاری امشب از این موضع (یـا از مـن یـا از آن رخنـه [طبـق اخـتلاف روایـات]) پاسداری می‌کرد. در همین موقع صدای به هم خوردن اسـلحه شـنیده شـد. پیـامبرﷺ فرمود: کیست؟ گفت: سعد بن ابی وقاص هستم. فرمود: از آن رخنه مواظبت کن. سپس پیامبرﷺ خوابید تا صدای نفس زدن او بلند شد و هرگاه پیامبرﷺ مـی‌خوابیـد، بلنـد بلند نفس می‌کشید (دیار بکری، ۱/ ٤٨٤-٤٨٥؛ واقـدی، ۲/ ٤٦٣). عـاملی در نقـد ایـن روایت می‌نویسد: «ما در صحت این داستان تردید داریم و معتقدیم کـه هـدف از نقـل چنین داستانی ثبت یک فضیلت برای سعد بن ابی وقاص و دیگری برای عایشه است» (عاملی، *الصحیح*، ۱۱/ ٦٦). با این حال در جایی دیگر بـا زمانـه شناسـی تـاریخ وقـوع جنگ خندق و اینکه سپاه احزاب در اواسط تابستان یا اواخر آن بـه مدینـه رسـیده‌انـد می‌نویسد: «این مطلب سایه‌ای از شک و تردیـد بـر ایـن مـدعا مـی‌انـدازد کـه برخـی می‌پندارند جنگ خندق در «روزهای زمستانی» یا «در سرمای شدید» و «در زمان سرد و بارانی و شب‌های سرد طولانی» به وقوع پیوست. همچنان که گمان می‌برند، بـه هنگـام حفر خندق، عایشه، پیامبرﷺ را گرم می‌کرد». وی پس از بیان این مطلب مـی‌نویسـد: «مگر اینکه بگویند: درو و برداشت محصول تا پاییز تداوم داشته‌است. در ایـن صـورت مانعی نخواهد بود که بگویند: هوا سرد و زمستانی بود» (همو، ۱۰/ ۱۵۷-۱۵٦). به ایـن صورت تردید خود را درباره روایت فوق مطرح کـرده و از دادن یـک پاسـخ قطعـی و شفاف خودداری می‌کند.

نکته‌ای که در تحلیل این داستان مطرح است، این است که نقد تاریخی این داسـتان چه اهمیتی دارد، آیا این داستان را می‌توان با چنین معیارهایی رد کرد؟ و آیا پذیرش آن جدا از فضیلت‌تراشی چه مشکلی ایجاد می‌کند؟ سخن عاملی هرچند به صورت تردیـد است، اما حکایت تردید و نقد وی ظاهراً برای این است که می خواهد نظریه رقیب را رد کند. بگذریم از این که می‌توان در شب‌های تابستانی نیز فرض باد و نیاز به مـأوا را در نظر گرفت.

۵- ردّ روایت به دلیل قائل شدن شأن معصومؑ برای غیر معصوم

در روایات تاریخی آمده است که پیامبرﷺ میان صحابه پیوند برادری برقرار کـرد و خودش نیز با حضرت علیؑ پیوند برادری بست (دیار بکری، ۱/ ۳۵۳). عاملی حدیث

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.6.0]

مؤاخاة (پیمان برادری) را متواتر دانسته که نمی‌توان آن را انکار کرد و یا در آن تشکیک نمود. به ویژه پیمان برادری پیامبرﷺ و علی‌ؑ که بار اول در مکه و بار دوم در مدینه انجام گرفته و توسط ده‌ها تن از صحابه و تابعین روایت شده‌است (عاملی، الصحیح، ۵/ ۱۰۵-۱۰۶). در کنار این گونه روایات، روایات دیگری نیز وجود دارد که در ضمن آنها آمده است که پیامبرﷺ میان علی‌ؑ و عثمان (امینی نجفی، ۹/ ٤۳۳) و میان خودش و عثمان (ابن سعد، ۵۰/۳) پیوند برادری برقرار کرد. عاملی در نقد روایات دسته دوم می‌نویسد: «با وجود روایات دسته اول به روایات دسته دوم توجهی نمی‌شود، زیرا در بطلان آنها تردیدی وجود ندارد چرا که هدف آن روایات برتری دادن به شأن عثمان و تکذیب فضایل علی‌ؑ است، افزون بر آن این گونه روایات، عثمان و علی‌ؑ را در یک سطح قرار می‌دهد» (عاملی، الصحیح، ۵/ ۱۰۷). به نظر می‌رسد منظور عاملی این است که اگر روایات مربوط به پیوند برادری میان پیامبرﷺ و عثمان یا علی‌ؑ و عثمان را بپذیریم شأن معصوم را پایین آورده یا برای صحابه عادی پیامبرﷺ فضیلتی ایجاد می‌کنیم.

۴- معجزه معصومؑ

عاملی معتقد است که معجزه‌ها و کرامات بر اساس برنامه هدفمند الهی انجام می‌گیرد نه اینکه یک اتفاقی غیر منتظره و بدون مصلحت باشد، بلکه مصلحت محور اساسی آن است. لذا زمانی معجزه انجام می‌گیرد که ایمان مردم به خطر افتد و شبهات و اوهام مردم را فرا گیرد. در این صورت است که معجزه، به مردم آرامش داده و آنها را به حالت تعادل باز می‌گرداند (همو، ۲۵/ ۱٤۰-۱۳۹). وی بیشتر روایات تاریخی را که در ضمن آنها معجزه‌ای از رسول خداﷺ یا کرامتی از ائمهؑ گزارش شده است، می‌پذیرد و تلاش می‌کند آنها را به نحوی توجیه کند. به عنوان نمونه در روایتی از امام صادقؑ نقل شده است که وقتی علی‌ؑ، عمر بن عبدودّ را کشت، شمشیرش را به امام حسنؑ داد و فرمود: به مادرت بگو که این شمشیر را بشوید. امام حسنؑ پس از شسته شدن شمشیر، آن را به پدرش که همراه پیامبرﷺ بود برگرداند، در حالی که در وسط شمشیر یک نقطه از آن پاک نشده بود. امام علی‌ؑ فرمود: آیا زهراؑ آن را نَشُست. امام حسنؑ فرمود: چرا!. حضرت علی‌ؑ فرمود: پس این نقطه چیست؟

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.6.0]

رسول خدا ﷺ فرمود: ای علی از ذوالفقار بپرس که به تو خبر می‌دهد. پس حضرت علی ؑ شمشیر را تکان داد و فرمود: آیا حضرت زهرا ؑ تو را از خون فرد پلید پاک نکرد؟ پس خدا شمشیر را به سخن آورد و گفت: آری، ولی تو به وسیله من، کسی مبغوض‌تر از عمر بن عبدودّ نزد فرشتگان را نکشتی. پس پروردگارم به من فرمان داد و من این نقطه از خون او را نوشیدم و آن بهره من از اوست، پس مرا روزی از غلاف در نمی‌آوری، مگر اینکه فرشتگان آن را ببینند و بر تو درود بفرستند (راوندی، ۱/ ۲۱۵–۲۱۶ ، مجلسی، ۲۰/ ۲۴۹–۲۵۰). عاملی درباره این روایت می‌نویسد: «ما دلیلی که صحت این روایت را اثبات یا نفی کند، نداریم و هنگامی که فهم برخی از روایات بر ما سخت می‌شود باید علم آن را به اهل آن واگذار کنیم [و آن را مردود نشماریم] تا زمانی که آن با اساس عقیده برخورد نکرده و بر ضوابط و مبانی عمومی بحث علمی تأثیر نکند» (عاملی، الصحیح، ۱۱/ ۱۵۵). البته روایت فوق در منابع قدیمی تنها در «الخرائج و الجرائح» راوندی (متوفی ۵۷۳) آمده است و ظاهراً غیر از آن منبع در هیچ یک از منابع قدیمی دیگر نیامده است ولی عاملی به این مسئله توجهی نمی‌کند و هر گونه روایتی که فضیلتی از فضایل اهل بیت ؑ و به ویژه امام علی ؑ را بیان کند می‌پذیرد حتی اگر آن روایت مرسل باشد. شایان ذکر است که وی کرامات علی ؑ را معجزه نامیده و در بحث معجزه‌های پیامبر ﷺ می‌نویسد: «معجزه‌های علی ؑ از قبیل از جا کندنِ درِ خیبر و معجزه‌های دیگر، معجزه‌های پیامبر ﷺ و از دلائل صحت نبوت اوست» (همو، ۲۷/ ۱۱۹).

۵–استفاده کلامی از روایات تاریخی

استفاده کلامی از روایات تاریخی در ضمن ارزیابی آنها، یکی از روش‌های رایج عاملی در *الصحیح* است. به عنوان نمونه در روایات مربوط به جنگ خیبر آمده است که پیامبر ﷺ به علی ؑ فرمود: «با آنان [یهود] جنگ کن تا اینکه به «لا اله الا الله» گواهی دهند» (حلبی، ۳/ ۵۴). عاملی درباره این روایت می‌نویسد: «این مطلب اشاره دارد بر اینکه توحید یهود آلوده به شرک یا معانی دیگر منافی حقیقت توحید است، مانند اعتقاد آنان به اینکه عُزیر پسر خداست و اعتقاد به جسم بودن خدا و نظایر اینها» (عاملی، الصحیح، ۱۷/ ۲۴۷).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.6.0]

نتیجه

تردیدی نیست که روش عاملی در نقد و ارزیابی روایات تاریخی، روشی ویژه است، زیرا او آن است تا متونی را که در باره سخن معصوم علیه‌السلام یا اعمال و دستوراتش سخن می‌گوید از تحریف و اضافاتی که در آن وارد شده، پاک سازد. در این روش می‌توان نقد تاریخی با محک کلام را قاعده‌مند کرد و بر اساس آن از اینکه هر محققی تأثرات مذهبی و پیش‌فرض‌های خود را به‌کار گیرد، مانع کرد. با این حال آیا می‌توان همیشه مبانی کلامی را در تفسیر تاریخ، اصل قرار داد و بر اساس آن ظاهر را تأویل کرد و یا در این میان عصر تاریخی و فهم عرف زمان وقوع حادثه نیز به تحلیل حادثه کمک می‌کند؟ در پاسخ به این پرسش چند نکته قابل توجه است. یکی چگونگی اثبات نظریه کلامی است. به این معنا که این نظریه بر اساس چه پایه عقیده و نظریه‌ای کلامی ثابت شده، مثلاً به صریح قرآن ثابت شده، یا با روایات متواتر از معصومین علیهم‌السلام نقل شده و تردیدی در آن نبوده، یا اصل مسلّم عقلی بر آن اقامه شده است. در این صورت نظریه کلامی تا محدوده همان دلیل قابل استناد است، به ویژه اگر پشتوانه آن دلیل عقلی باشد. چه دلیل لبّی قلمرو دارد و محدود به قدر متیقن است. در این صورت ظاهر نصوص با معیار کلامی قابل استناد است. مواردی که عاملی از این دسته استفاده می کند، تردیدی در آن نخواهد بود. اما اگر مبنای کلامی متکی به خبر واحد و ظنی الصدور است، و در میان آرای یک فرقه در برابر نظریات دیگر است، در آن صورت نمی‌تواند به سادگی حادثه تاریخی را نفی کرد، و در تفسیر و تاریخ صورت قصه را تغییر داد هر چند که خبر تاریخی هم به سادگی قابل قبول نخواهد بود و نیازمند شواهد و قرائن است. نکته‌ای که در تحلیل کلامی در برخی از داستان‌ها در روش عاملی مطرح گردیده، این پرسش را به وجود آورده که قبول آن چه مشکل اعتقادی را به وجود آورده و نقد تاریخی این داستان چه اهمیتی دارد، آیا این داستان را می توان با چنین معیارهایی رد کرد و آیا پذیرش آن جدا از برخی فضیلت‌تراشی که می‌تواند فضیلت نباشد، چه مشکلی ایجاد می‌کند؟ نکته دیگر نسبت‌گیری میان تاریخ و علم کلام است. تردیدی نیست که هر مفسر تاریخی مانند هر مفسر متن، دارای پیش‌فرض‌هایی است و این پیش‌فرض‌ها تأثیرگذار در فهم متون است. از جمله این پیش‌فرض‌ها، نوع جبهه‌گیری و

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.6.0]

شخصیت تحلیل‌گر و یا ذهنیت وی نسبت به حادثه تاریخی است، مثل داستان غار و یا در غزوات پیامبر (مثل غزوه بنی قریظه) که مشکل از منقولاتی است که به صورت ظنون متراکم در ذهن بسیاری از مورخان قرار گرفته و کمتر مفسر تاریخی به خود اجازه تردید در آنها را می‌دهد، یا برخی مسائل فقهی است که کمتر مفسر آن را با نگاه فقهی می‌سنجد و حکم شکل کلامی گرفته است، مانند متعه، رجم، احکام ولد الزنا، شهادت و قضاوت زن و مسائلی از این قبیل، یا جنبه فضیلت‌تراشی پیدا کرده‌است. در کتاب عاملی از این دست پیش‌فرض‌ها زیاد دیده می‌شودکه چندان ارتباطی با باورهای مسلّم کلامی ندارد.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.6.0]

منابع

ـ ابن سعد، محمد، *الطبقات الکبری*، تحقیق محمد عبد القادر عطا، الطبعه الاولی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ١٤١٠ق/١٩٩٠م.

ـ ابن هشام، عبد الملک، *السیرة النبویه*، تحقیق: مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبد الحفیظ شلبی، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.

ـ امینی نجفی، عبد الحسین احمد، *الغدیر فی الکتاب و السنّه و الأدب*، قم، مرکز الغدیر للدراسات الإسلامیه، ١٤١٦ ق.

ـ ایجی، میر سید شریف، *شرح المواقف*، تصحیح: بدر الدین نعسانی، الطبعه الاولی، قم، الشریف الرضی، ١٣٢٥ ق.

ـ بخاری، محمد بن اسماعیل، *الصحیح*، بیروت، دار الفکر، ١٩٨١م.

ـ حلبی، علی بن ابراهیم، *السیرة الحلبیه (انسان العیون فی سیره الأمین المأمون)*، بیروت، دار المعرفه، ١٤٠٠ق.

ـ حلّی، حسن بن یوسف، *تذکرة الفقهاء*(ط.ج)، الطبعه الاولی، قم، مؤسسه آل البیت، ١٤١٤ق.

ـ دیار بکری، حسین، *تاریخ الخمیس فی احوال أنفس النفیس*، بیروت، دار الصادر، بی تا.

ـ راوندی، قطب الدین، *الخرائج و الجرائح*، قم، مؤسسه امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، ١٤٠٩ق، (٣ جلد).

ـ سبحانی، جعفر، *الهیات*، قم، المرکز العالمی للدراسات الاسلامیه، بی تا.

ـ صالحی شامی، محمد بن یوسف، *سبل الهدی و الرشاد في سیره خیر العباد*، تحقیق: عادل احمد عبد الموجود و علی محمد معوض، الطبعه الاولی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ١٤١٤ق/١٩٩٣م.

ـ طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*، الطبعه الثالثه، تهران، ناصر خسرو، ١٣٧٢ش.

ـ عاملی، سید جعفر مرتضی، *الصحیح من سیره النبی الأعظم* صلی‌الله‌علیه‌وآله، الطبعه الاولی، قم، دار الحدیث، ١٤٢٦ ق، (٣٥جلد).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.6.0]

ـ عاملی، سید جعفر مرتضی، «مصاحبه با آیینه پژوهش»، آیینه پژوهش، شماره ۵، سال اول، بهمن ۱۳۶۹ش.
ـ عاملی، سید جعفر مرتضی، «مصاحبه با فروغ وحدت»،فصلنامه‌ی آموزشی و پژوهشی دانشگاه مذاهب اسلامی، سال اول، پاییز ۱۳۸۵ش.
ـ قمی، علی بن إبراهیم، *تفسیر القمی*، الطبعه الثالثه، قم، مؤسسه دارالکتاب، ١٤٠٤ق.
ـ مجلسی، محمد باقر، *بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار*، بیروت، مؤسسه الوفاء، ١٤٠٤ق.
ـ مفید، محمد بن نعمان، *عدم سهو النبی*، الطبعه الاولی، قم، المؤتمر العالمی للشیخ المفید، ١٤١٣ ق.
ـ واقدی، محمد بن عمر، *کتاب المغازي*، تحقیق: مارسدن جونس، الطبعه الثالثه، بیروت، مؤسسه الأعلمی، ١٤٠٩ق/١٩٨٩م.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-06]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.27.6.0]